

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله آداب اسلام

آداب استئذان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استئذان: عبارت است از طلب اذن برای وارد شدن به محلی که مال او نیست. (فتح الباری لابن حجر (۳/۱۱)).

مستحب است قبل از اجازه خواستن سلام کرد، ربعی روایت کرده است که مردی از بنی عامر برایم تعریف کرد که او از پیامبر ﷺ اذن خواست که وارد خانه او شود و او در خانه بود، و مرد گفته بود: آیا وارد شوم؟ پیامبر ﷺ در آن هنگام به خادمش گفت: برو به این آداب استئذان را یاد بده و به او بگو قبل از استئذان سلام کند. (امام احمد (۲۲۶۱۷) و ابوداود (۵۱۷۷) و لفظ از او است، این روایت را نقل کرده اند، و آلبانی گفته صحیح است.)

کسیکه اذن می خواهد و در را می زند باید از طرف چپ یا راست در بایستد تا چشمش به داخل خانه نیافتد و چیزی را که صاحب خانه دوست ندارد دیده شود، نبیند، چون اجازه خواستن بخاطر چشم گذاشته شده است.

نگاه کردن به داخل خانه دیگران حرام است مگر با اجازه صاحب خانه، بدلیل فرمایش پیامبر ﷺ که می فرماید: «من اطلع فی بیت قوم بغیر اذنهم، فقد حل لهم أن یفقوا عینه» (مسلم (۲۱۵۸) این حدیث را نقل کرده است. یعنی: هر کس بدون اجازه به خانه دیگری نگاه کند، برای صاحب خانه جایز است که چشمش را کور کند. باید وقت مناسبی را برای اجازه ورود انتخاب کند. تا سه بار می توان اذن خواست، اگر اجازه ورود را دادند، که وارد خواهید شد، و در غیر اینصورت باید برگشت؛ بدلیل قول پیامبر ﷺ که می فرماید: هرگاه یکی از شما سه بار اجازه خواست و به او اجازه ندادند، باید

برگردد. (بخاری (۶۲۴۵) و مسلم (۲۱۵۳)).

و اگر گمان بود که صدایش شنیده نشده است، گفته شده است باید به ظاهر حدیث عمل کرد و برگشت، و برخی هم گفته اند، باز هم در را می زند تا اینکه برایش محقق گردد که صدایش شنیده شده است. (فتح الباری (۲۹/۱۱) حدیث (۶۲۴۵)).

هرگاه صاحبخانه به شخصی که اذن می خواهد گفت: برگرد، باید برگردد، بدلیل آیه قرآن که می فرماید: «وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ آرْجِعُوا فَآرْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ». (النور: ۲۸). «و اگر گفته شد: بازگردید! بازگردید؛ این برای شما پاکیزه تر است».

و انسان مسلمان نباید آن را بر خود سخت بداند چون این باعث تزکیه نفس می گردد.

اگر صاحبخانه پرسید کیست؟ نباید در جواب گفت «من» هستم، بدلیل حدیثی که جابر روایت کرده است که می گوید: بخاطر بدهی پدرم نزد پیامبر ﷺ و در را زدم، پیامبر ﷺ فرمود: کیست؟ گفتم: من هستم، پیامبر ﷺ فرمود: مَنْ! مثل اینکه خوشش نیامد. (بخاری (۶۲۵۰) و مسلم (۲۱۵۵)).

نبايد در را تند زد، بدلیل روایتی که انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده است که گفت درهای خانه پیامبر ﷺ را با ناخن می زدند. (بخاری این روایت را در الادب المفرد (۱) روایت کرده و آلبانی آنرا صحیح دانسته است.)

نبايد وارد خانه ای شد که خالی است، چون این کار تجاوز به حقوق دیگران است.

بعد از اینکه اجازه دخول را صادر کردند، باید کمی

صبر کرد، بعد وارد خانه شد، چون احتمال وجود معذرت هست، و برای بار دوم وارد شود، در صحیحین از ابی وائل نقل شده است که گفت: روزی بعد از نماز ... رفتیم به خانه عبدالله بن مسعود رضی الله عنه جلوی در سلام کردیم و به ما اجازه ورود را داد، ولی کمی صبر کردیم که جاریه (دختر کوچک، یا کنیزک) او بیرون آمد و گفت: چرا داخل نمی‌شوید؟ می‌گوید: داخل خانه شدیم و دیدیم او نشسته و تسیب‌جات می‌کند، و او گفت: چه چیزی مانع داخل شدن شما شد در حالیکه به شما اجازه داده شده بود؟ گفتیم: چیزی نبود فقط گمان کردیم برخی از اهل خانه خواب هستند. (الآداب الشرعية (۴۲۸/۱)).

کسیکه دعوت شده و یا کسی را دنبالش فرستاده باشند نیازی به اجازه ورود ندارد، بدلیل حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «إذا دعی أحدکم إلى الطعام فجاء مع الرسول فإن ذلك له إذن». (دعوت برای ولیمه هم اجازه محسوب می‌شود، و همچنین دعوت برای خوردن غذا، (المغنی) و ... ظاهر کلام اکثر علما این موارد را اجازه می‌دانند، و این را بخاری ذکر کرده بعنوان تعلیق جازم از ابوهریره که چنین روایت فرموده است: «إذا دعی أحدکم فجاء مع الرسول فذلك إذن له». (الآداب الشرعية (۴۲۲/۱)).

یعنی: هرگاه یکی از شما برای طعمای دعوت شد و با فرستاده صاحبخانه آمد، اینکار برای او اجازه ورود بحساب می‌آید.

ولی برخی از اهل علم حالتهایی را استثناء کرده‌اند مانند اینکه کسی از وقت دعوت تأخیر کرده باشد، و یا اینکه در مکانی قرار گرفته باشد که عادتاً به اجازه نیاز باشد. (شرح الأدب المفرد (۱۰۷۴)).

همچنین هنگام برخاستن و ترک مجلس نیز باید اجازه خواست، بدلیل حدیثی که ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفته است: «إذا زار أحدکم آخاه فجلس عنده، فلا یقومن حتی یستأذنه». (آلبانی در سلسله گفته است: ابوشیخ اصبهان (۱۱۳) آن را روایت کرده است. السلسله (۳۰۴/۱) رقم (۱۸۲)).

یعنی: هرگاه یکی از شما به دیدن برادرش رفت و نزد او نشست، نباید برخیزد تا اینکه اجازه خروج بگیرد. هنگام سرزدن به مادر، خواهر و امثال آنها باید اجازه ورود به خانه آنها را گرفت.

هنگام ورود مرد به خانه، باید همسرش را باخبر کند. کنیزان، و کودکان، بچه‌هایی که به دور والدین و یا صاحبان خویش می‌چرخند که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید اجازه ورود را بخواهند: قبل از نماز صبح، هنگام قیلوله و بعد از نماز عشاء.

جمله اجازه گرفتن باید بدینگونه باشد که ابتدا سلام می‌کند و سپس می‌گوید: آیا اجازه هست؟

و اگر مکانیکه می‌خواهد به آن داخل شود، غیر از خانه‌های مسکونی باشد، و شخص در آنجا متاعی که مورد نیاز می‌باشد گذاشته باشد، درباره آنان خداوند چنین می‌گوید: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَعٌ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ». (النور: ۲۹).

«ولی» گناهی بر شما نیست که وارد خانه‌های غیر مسکونی بشوید که در آن متاعی متعلق به شما وجود دارد؛ و خدا آنچه را آشکار می‌کند و آنچه را پنهان

می‌دارید، می‌داند».

و این شامل، محله‌ها، بازارها، هتلها و امثال اینها می‌شود.

در حالتهای ضروری مانند آتش‌سوزی و حمله دزدها، اجازه لازم نیست.

اگر شخص نمازگزار خواست اجازه ورود را بدهد، اگر مرد باشد می‌گوید: «سبحان الله» و اگر زن باشد با

دست راست روی دست چپ میزند (تصفیق). بدلیل قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که می‌فرماید: «إذا استأذن على الرجل وهو يصلي فإذنه التصفیق». (بیهقی در سنن کبری (۲۴۷/۲) این حدیث را روایت کرده است و آلبانی آنرا صحیح دانسته است. سلسله صحیح (۸۱۵/۱)).

یعنی: اگر از مردیکه در حال نماز است اذن خواسته شد، اجازه او تسیب گفتن او است. و اگر از زنی که در حال نماز است اذن خواسته شد، اجازه او تصفیق او است.

ابوداود در مبحث (باب ما جاء في المزاح) از عوف بن مالک اشجعی نقل کرده است که گفت: در غزوه تبوک نزد

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفتم و او داخل کلبه کوچکی که از چرم ساخته شده بود نشسته بود، سلام کردم و او جوابم را داد و گفت: داخل شو، منم گفتم: یا رسول الله با همه بدنم وارد شوم؟ فرمود: بله با تمام بدنت، و من وارد شدم. (ابوداود (۵۰۰) این روایت را تخریج نموده و سندش صحیح است.)